

ایران



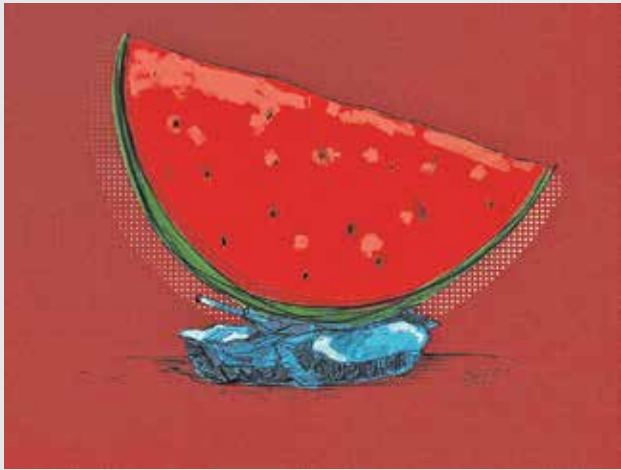
سخن‌روز

رسول اکرم(ص):

همانا، محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند: نماز، نیکی کردن و جهاد در راه خداست.

وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۲۷

نگاره



وفا الهاشمی / طراح و کارتون‌نویست

فضای مجازی

تعبیری لطیف از استغفار به نقل از استاد فاطمی نیا

محمد صرifi ، روزنامه‌نگار در توئیترش نوشت: «روزنامه سعودی شرق ایشان نوشت: «عالم جلیل‌القدر آقا سید مهدی قوام یک تعبیر زیبا و لطیفی دارند و می‌فرمایند: «خدا یا اگر ما تو را معصیت کردیم، بنای جنگیدن با تو را نداشتیم، نفهمیدیم!» جملاتی برگرفته از جلسه پنجاهم سیری در صحیفه سجاده‌ی



تنها کسانی که از آغاز عملیات طوفان الاقصی خبر داشتند

محمد صرifi ، روزنامه‌نگار در توئیترش نوشت: «روزنامه سعودی شرق

الاوسط در گزارشی به نقل از منابعی در شاخه نظامی حماس نوشته، ۵ نفرطراح عملیات طوفان‌الاقصی بوده‌اند: محمد ضیف، یحیی سنوار، محمد سنوار، ایمن نوفل و روحی مشتهی. به رهبران حماس خارج از

غزه، تنها ساعاتی قبل از شروع طوفان، اطلاع داده می‌شود.»



دیگه ازش دفاع نخواهم کرد، چون حق از همه چیزمهمتره. اما این سال‌ها، وکلای زیادی رو دیدم که با وجود اینکه می‌دونستند موکلشون حق نیست باز هم ازشون دفاع می‌کردند، یا به خاطر حق‌الوکاله‌های سنگین یا رفاقت یا هرچیزی... من فکر می‌کنم هیچ چیز اندازه «حقیقت» در این جهان مهم نیست. و امیدوارم هرکس حق رو فدای چیزی نکنم. وکالت شغل سختیه و پیدا کردن حقیقت، سخت‌ترین کار این جهان... کاش اگر روزی خواستم از ناحق دفاع کنم، اون روز روز آخر زندگیم باشه...»



دیگه ازش دفاع نخواهم کرد، چون حق از همه چیزمهمتره. اما این سال‌ها، وکلای زیادی رو دیدم که با وجود اینکه می‌دونستند موکلشون حق نیست باز هم ازشون دفاع می‌کردند، یا به خاطر حق‌الوکاله‌های سنگین یا رفاقت یا هرچیزی... من فکر می‌کنم هیچ چیز اندازه «حقیقت» در این جهان مهم نیست. و امیدوارم هرکس حق رو فدای چیزی نکنم. وکالت شغل سختیه و پیدا کردن حقیقت، سخت‌ترین کار این جهان... کاش اگر روزی خواستم از ناحق دفاع کنم، اون روز روز آخر زندگیم باشه...»

یک رسم زیبای ژاپنی برای جوانان

الهام عابدینی، کارشناس مطالعات ژاپن در توئیترش درباره یکی از آداب

و رسوم ژاپنی‌ها نوشت: «دومین دوشنبه ژانویه در ژاپن روز «بی‌جین» هست و جوانان ژاپنی ۲۰ ساله رسماً واردشون رو به بزرگسالی جشن می‌گیرند. این جشنی تاریخی با ریشه‌های فرهنگیجیه. چند سالیه به

روز خیلی مهمی برای کسب‌وکارهای مرتبط مثل لباس فروشی‌ها و رستوران‌ها هم تبدیل شده و حسابی تبلیغ می‌کنند. در این روز جوانانی که به سن قانونی

رسیده‌اند برای مستقل شدنشون جشن می‌گیرن. روز فشنکیه چون جوانان با لباس سنتی دیده میشن. تقریباً بجز این روز، دیگه کس لباس کیمونو نمی‌پوشه.»



فیلمی با نگاه انتقادی به جامعه ژاپن

آرش خوشخو منتقد فیلم، در اینستاگرامش درباره فیلم «هیولا»

نوشت: «یک درام راشومون وار که از وقایع مضطرب‌کننده یک مدرسه آغاز می‌شود و ناگهان از منظر مثلاً «نگاه انتقادی» به جامعه

ژاپن و نظام آموزشی و این طور چیزها وارد دنیایی از وهم و تمایلات و تئاسخ و هیولاهای می‌شود. فیلم به شکلی پیوسته پیشداوری‌های

شما را برآشفته می‌کند و داستان خود را به شیوه‌ای جاه‌طلبانه به انتهای خود می‌کشاند. این

درام تأثیرگذار اما مثل بقیه کارهای کوریه دا (شاپ لیفترز، خواهر کوچولو، بعد از زندگی و...) انرژی اصلی خود را از کیفیت بازی‌ها و توانایی او در انتقال نوعی از حس‌میمت بین شخصیت‌ها

می‌گیرد. فیلمنامه‌پر از جزئیات فیلم در جشنواره کن جایزه برده است.»



ردپای دختر کاپشن صورتی با گوشواره‌های قلبی وسط امتحان نگارش

فریناز ربیعی، نویسنده در اینستاگرامش نوشت: «من خدایگان

یادکردن‌های بی‌مناسبت و بی‌ربطم. انکار که در لحظه قد بلندی

می‌کنم، از کلاف زمان بیرون می‌زنم و از میان نوارهای نورانی باریکی که

خاطرات دور و نزدیک‌اند، یکی را تصادفی بیرون می‌کشم و فریم به فریم

برایم پخش می‌شود. انکار که در حال مرور زندگی، ایستاده بر لبه مرگ. اما هیچ فکر نمی‌کردم

قصه‌ها این بار وقت صحیح‌کردن برگه امتحانی یفهام را بگیرند. برای سؤال شخصیت‌پردازی

امتحان‌شان، عکس چند گفش را داده بودم، تا صاحبش را توصیف کنند. همه در جواب‌هایی

تکراری نوشته بودند دختریکی دوساله تیلی، که حتماً مادرش هر از گاهی بغلش می‌کند و روی

دست ویای یکی دو وجبی اش بوسه می‌کارد، یا پدرش زودتر از سرکارش برمی‌گردد وقتی دخترک

پشت تلفن زبان می‌ریزد که «بابا زود بیا... بابا بغل...»، اما میان همه این جواب‌ها یکی از این

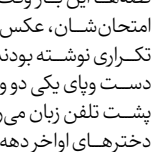
دخترهای اواخر دهه هشتاد، انگار که پیامبری نوجوان، به نیابت از دل من، سر امتحان قد بلندی

کرده، سر کشیده به کلاف زمان و نوار نورانی باریکی را از خاطره جمعی یک ملت بیرون کشیده و

نشانده روی این برگه... نوشته «شاید هم دخترکی دوساله، با کاپشن صورتی و گوشواره‌های قلبی

که با این کش‌ها راه می‌رود تا لحظه لحظه به بهشت نزدیک‌تر شود... «شهیده ریحانه سلطانی

نژاد...» اما امان از یاد‌های بی‌مناسبت و بی‌ربط که گفت «یاد خنجر است...»



خارجی‌ها در ایران فارسی یادبگیرند بهتر است

نادر سهرابی، مجری تلویزیون در توئیترش نوشت: «تو فروگاه موقع

تحویل بار، به نفر چمدونش خورد به زانوم. خارجی بود. گفت:

sofry. گفتم: خواهش می‌کنم. به خانمه از پشتم، پوزخند زد، زیر

لب گفت: طرف خارجیجیه. بهش می‌گید خواهش می‌کنم؟ گفتم:

ببخشید شما می‌رید خارج، خارجی وظیفشونه فارسی یاد بگیرند؟



اون باید فارسی حرف می‌زد نه من انگلیسی.»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرمسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- زرین رستمی‌وند(اجتماعی)

- بنفشه غلامی(جهان)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزز(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرنژاد(اجرای)
- حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی(عکس)

نقل قول



زینب عرفانیان

نویسنده

حاج قاسم آگاهانه با تفکر داعش مبارزه می‌کرد

زن‌هایی بودند که همسرانشان در جبهه داعش علیه ما می‌جنگیدند؛ وقتی راوی کتاب و همکارانش از زن‌ها و بچه‌ها می‌پرسیدند پدرت کجاست؟ می‌گفتند: «مع‌الدواعش.» حاج قاسم به این افراد خدمات داد. برای مبارزه با تفکر داعش، برای نجات نسل هر کدام از این بچه‌ها که اگر به آنها محبت نمی‌شد از آن منطقه به حال خودشان رها شده و یک داعشی به تمام معنا می‌شدند. حاج قاسم به زن‌هایی خدمات داد که اوایل از ایران و ایرانی‌انزار داشتند و دشمنن قسم خورده‌اش بودند ولی با گذشت زمان و دیدن رفتار سربازهای ایران، اسم نوزادهای پسرشان را احسان که اسم راوی کتاب است، می‌گذاشتند. حاج قاسم زیرکانه و آگاهانه با تفکر داعش مبارزه می‌کرد. تفکری که بعد از اعلام پایان حکومت داعش هنوز وجود دارد. تفکری که نه خاک است که بتوان با حصار محصورش کرد، نه آب است که با سد مسدود شود. تفکر مثل هواست و پراکنده می‌شود. تفکری که داغ دخترکی با کاپشن صورتی و گوشواره قلبی را بر دلمان گذاشت.

| بخشی از *گفت‌وگوی مهر* با **زینب عرفانیان**، نویسنده «همسایه‌های خانم جان» روایت پرستار احسان جاویدی

یادداشت



سعید مستغنی

منتقد فیلم

«قاتلین ماه کامل» در کانادا

فیلم «قاتلین ماه گل» (کامل) ساخته مارتین اسکورسیزی که از آثار مهم سینمایی امسال است، به یکی از جنایات خاموش غربی‌ها در حق بومیان و سرخپوستان آمریکا شمالی پرداخته است. جنایاتی که در همین قرن بیستم اتفاق افتاد و تا قبل از انتشار کتاب «دیوید گرن» در سال ۲۰۱۸ چندان منکشف نبود.

ازدواج با بومیان اوسیح توسط سفیدپوستان که به خاطر پیدا شدن نفت در سرزمین‌هایشان، ثروتمند شده بودند و حالا با مرگ‌های مشکوک و خاموش، ثروت‌شان به همسران یا وکلای سفیدپوست‌شان می‌رسید.

مرگ در سکوت بومیان در فیلم «قاتلین ماه کامل» بی‌شبهت به آنچه درباره بومیان کانادا اتفاق افتاد، نیست که طی سال‌های اخیر آمار هولناکی از نسل‌کشی بومیان این سرزمین آن هم در قرن بیستم و تا همین ۶۰۰۵۰ سال پیش انتشار یافت.

یک بار در آوریل ۲۰۱۹ با حدود ۶۰۰ جسد و بار دیگر در ماه مه ۲۰۲۱ با ۲۱۵ جسد در کرنبروک، ۸۴۳ کیلومتری شرق

ونکوور(بریتیش کلمبیا) بود که خبر از کشف گورهای دسته‌جمعی کودکان بومی داده شد.

از آن زمان تاکنون گورهای بی‌علامت و دسته‌جمعی کودکان بومی یکی پس از دیگری در محوطه مدارس سابق شبانه‌روزی کودکان در استان‌های مختلف کانادا کشف شده و می‌شود؛ شمار گورهای کشف شده بر اساس آخرین آمارها حدود

۳هزار مورد اعلام شد.

در کانادا تا سال ۱۹۶۰پیش از ۱۵۰ هزار کودک بومی به اجبار از خانواده‌هایشان جدا و به ۴۰ مدرسه شبانه‌روزی ویژه کودکان بومی تحت اداره مشترک دولت کانادا و کلیسای کاتولیک منتقل شدند. همین امرهرگونه ادعای دولت کانادا مبنی بر بی‌اطلاعی از جنایت علیه کودکان بومی در این مراکز را عملاً رد می‌کند.

بر اساس گزارش‌ها بین ۴ تا ۱۰ هزار کودک بومی هیچ‌گاه از این مدارس به خانه بازنگشتند.

اعتراض‌های چند دهه‌ای خانواده‌های بومی به جنایت‌های صورت گرفته در مدارس مذکور در نهایت در سال ۲۰۰۸ (یعنی ۱۶ سال پیش) به تأسیس «کمیسوین آشتی و حقیقت» با هدف مستندسازی تاریخچه و تأثیرهای پایدار سیستم مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا بر دانش‌آموزان بومی و خانواده‌هایشان منجر شد.

بومیان کانادایی از سال‌های آغاز به کار مدارس مذکور تأکید داشتند که کودکان‌شان در این مدارس مورد شکنجه قرار گرفته، گرسنگی می‌کشند و با انواع رفتارهای غیرانسانی مواجهند، البته آنچه در نهایت درباره این ادعاها در نتیجه تحقیقات «کمیسوین آشتی و حقیقت» مشخص شد، جنایت‌های گسترده‌تری را آشکار می‌کرد.

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پایامک:** ۴۵۱۳۱۳۰۳۰۰۰ روابط عمومی **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵**• امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷۲(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



ظلم از دل و دست ملک نیرو ببرد
عادل ز زمانه نام نیکو ببرد
گر تقویت ملک بری ملک بری
وز تو نکی هر که کند او ببرد

سعیدی

یادداشت

جای مسأله‌مندی

در ادبیات پایداری خالی است

درباره حاج قاسم گویی کمیت کتاب‌ها مطرح بوده است نه پیدا کردن تفکر او. افرادی که درباره حاج قاسم پژوهش می‌کنند باید دریابند علامت سؤال‌شان درباره او چیست. متأسفانه این مسأله‌مندی در ادبیات پایداری بسیار جایش خالی است.

برای مثال کتاب «بر مدار مزار» برای مخاطب داخلی خوب است اما برای مخاطب خارجی نه.

من چند وقت پیش در جمع دانشجویان زبان و ادب فارسی از کشورهای مختلف بودم که خیلی

تشنه دانستن درباره حاج قاسم بودند. به نظرم

این کتاب نمی‌تواند به آنها کمکی بکند، یعنی ما باید نیازسنجی مخاطب را در نظر بگیریم که

هر چه این کتاب‌ها می‌تواند از لحاظ کمی زیاد باشد آیا از لحاظ کیفی هم روی آنها کار

کرده‌ایم؟ به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بتوانیم بگوییم برای مخاطب غیرایرانی هم کتاب به اندازه کافی هست.

در کتاب آمده که حاج قاسم به فاطمه، دختر دوست هم‌رزم خودش که به حج می‌رود نوشته است: «من در شبی تاریک در صحرائی که انتها ندارم، احساس می‌کنم تنها هستم و راهم را

گم کرده‌ام.» چرا حاج قاسم چنین می‌گوید؟ این تفکر چهل ساله آدمی در جنگ و در شرایط پیچیده کشور است. من نمی‌دانم و ندیدم آنچه از تفکر حاج قاسم باقی مانده است؛ باید چنین نکاتی را باز کنیم تا به لابه‌های زندگی‌اش ورود

کنیم. اینجا سؤالاتی پیش می‌آید که سبک سفر حاج قاسم به چه شکل بوده؟ چه کتاب‌هایی می‌خوانده و دغدغه مطالعاتی سردار چه بوده‌است؟ من که ادعا دارم سه دهه است درباره ادبیات پایداری کار می‌کنم، جواب این پرسش‌ها را نمی‌دانم.

متأسفانه اینها پرسش‌هایی است که در کمتر کتابی می‌توان پاسخ آنها را پیدا کرد، چون به نظرم درباره حاج قاسم گویی کمیت کتاب‌ها

بیش از پیدا کردن تفکر او موضوعیت دارد. افرادی که درباره سردار سلیمانی پژوهش می‌کنند باید توجه داشته باشند که چه سؤالاتی درباره ایشان دارند. متأسفانه این پرسش‌ها واقعاً برایم سؤال می‌شود

چرا این آدم که این همه دوست و عاشق دارد به جوان دوست هم‌رزم خودش می‌نویسد

«چرا قاسم چنین می‌نویسد؟ کار من این است که چنین جملاتی را رمزگشایی کنم. برای این کار باید دغدغه‌ام تفکر حاج قاسم باشد.

من برای پی‌بردن به این مهم باید سراغ حاج قاسم بروم، از لفظ‌های که در آن روستای دورافتاده در کرمان متولد شد و راه افتاد و مسیری را طی کرد تا حاج قاسم شد. همه سخنانش را پیدا و در آنها تأمل کنم. در این مسیر می‌توانم سلوک سردار را بشناسم.

به نقل از ایبنا



گلستان جعفریان

نویسنده و منتقد ادبی

وقتی درباره حاج قاسم دو جمله می‌خوانم واقعاً برایم علامت سؤال می‌شود چرا این آدم که این همه دوست و عاشق دارد چه دختر جوان دوست هم‌رزم خودش می‌نویسد

«چرا قاسم چنین می‌نویسد؟ کار من این است که چنین جملاتی را رمزگشایی کنم. برای این کار باید دغدغه‌ام تفکر حاج قاسم باشد.

من برای پی‌بردن به این مهم باید سراغ حاج قاسم بروم، از لفظ‌های که در آن روستای دورافتاده در کرمان متولد شد و راه افتاد و مسیری را طی کرد تا حاج قاسم شد. همه سخنانش را پیدا و در آنها تأمل کنم. در این مسیر می‌توانم سلوک سردار را بشناسم.

به نقل از ایبنا



وقتی درباره حاج قاسم دو جمله

می‌خوانم واقعاً برایم

علامت سؤال می‌شود چرا این آدم که این همه

دوست و عاشق دارد چه دختر

جوان دوست هم‌رزم خودش می‌نویسد

«چرا قاسم چنین می‌نویسد؟ کار من این است که چنین جملاتی را رمزگشایی کنم. برای این کار باید دغدغه‌ام تفکر حاج قاسم باشد.

من برای پی‌بردن به این مهم باید سراغ حاج قاسم بروم، از لفظ‌های که در آن روستای دورافتاده در کرمان متولد شد و راه افتاد و مسیری را طی کرد تا حاج قاسم شد. همه سخنانش را پیدا و در آنها تأمل کنم. در این مسیر می‌توانم سلوک سردار را بشناسم.

به نقل از ایبنا

عکس نوشت



برداشت گل ترگس از اواخرآبان

آغاز و در صورت شرایط جوی

مساعد تا نیمه اسفند هر سال

در شهرستان‌های «مینودشت» و «آزادشهر» در استان گلستان

ادامه دارد.

عکس: ایرنا